



Research article

Research of Literary Texts in Iraqi Career
Vol. 2, Issue 3, Autumn 2021, pp. 39-54

**A Study of Linguistic Structure in "Rashidi History" by Mirza
Mohammad Haidar Doghlat and "Zafarnameh" by Ali Yazdi**

Mojtaba Soltanian

Ph.D. Candidate, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature
and Humanities, University of Hamadan, Hamadan, Iran.

Mehdi Abdi*

Ph.D. Graduated of Persian Language and Literature.

Received: 19/ 07/ 2021

Acceptance: 23/09/ 2021

Abstract

Stylistics tries to reach the intellectual and linguistic layers of the author and the work methodically. Therefore, in this study, two works of the Timurid period, "Zafarnameh" and "Rashidi History" have been evaluated stylistic and linguistic structure in vocabular and syntactic layers relying on library and documentary studies, as well as inductive and analytical methods, and to some extent Rhetoric and the linguistic coordinates of the two works are shown by giving examples. One of the common currents of the Timurid period is imitation in prose writing. Mirza Mohammad Haidar Doghlat has also adapted several works in writing Rashidi's history and has mentioned the exact name of the work. In addition to using written chronicles, he relied on his observations and hearings, and in order to document his narration, he recorded the writings of old inscriptions and copies or the complete content of some letter. The rhetorical and linguistic comparison of these two works shows that they are complementary and have a kind of intertextual content and language relationship. Also, the frequency of Arabic compounds and words, the frequent use of adjectives and verbs, redundancy and synonyms are obvious features of the syntactic and morphological structure of the language of the two works; The difference is that Zafarnameh has an emotional language with technical prose while transmitting information, but the author of Rashidi history with a simple prose as a knowledgeable witness, has criticized and challenged a lot of Zafarnameh information to provide the first category information to the audience.

Keywords: Stylistics, Zafarnameh, Rashidi History, Ali Yazdi, Mirza Mohammad Haidar Doghlat.

* Corresponding Author Email:

m.abdi1289@gmail.com



بررسی ساختار زبانی در تاریخ رشیدی میرزا محمدحیدر دوغلات و ظفرنامه علی یزدی

مجتبی سلطانیان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه همدان، مدرس دانشگاه فرهنگیان.

مهدی عبدی*

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

چکیده

سبک‌شناسی می‌کوشد با شیوه‌ای روشمند به لایه‌های فکری و زبانی نویسنده و اثر راه یابد. از این‌رو، در این پژوهش با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین با روش استقرایی و تحلیلی، مؤلفه‌های سبکی و ساختار زبانی دو اثر دوران تیموری، *ظفرنامه* و *تاریخ رشیدی* در لایه‌های واژگانی و نحوی و تا حدودی بلاغی مورد ارزیابی قرار گرفته و با ذکر مثال‌هایی مختصات زبانی دو اثر نشان داده شده است. یکی از جریان‌های رایج دوره تیموری، تقلیدگری در نثرنویسی است که یکی از مصداق‌های شاخص آن *ظفرنامه* علی یزدی است که در نام و مطالب، تقلید کاملی از *ظفرنامه* شامی است. میرزا محمدحیدر دوغلات نیز در نگارش *تاریخ رشیدی* از آثار متعددی اقتباس و عیناً نام اثر را ذکر کرده است. او علاوه بر استفاده از تواریخ مکتوب بر مشاهدات و استماع‌های خود تکیه کرده و جهت مستندسازی روایت خود، نوشته‌های کتیبه‌های قدیمی و رونوشت یا محتوای کامل برخی نامه‌ها را ثبت کرده است. مقایسه بلاغی و زبانی این دو اثر نشان می‌دهد که تکمله هم هستند و نوعی رابطه بینامتنی محتوایی و زبانی دارند. همچنین فراوانی ترکیبات و کلمات عربی، کاربرد فراوان صفت‌ها و فعل‌ها، اطناب و مترادفات از شاخصه‌های بارز ساختار نحوی و صرفی زبان دو اثر است؛ با این تفاوت که *ظفرنامه* با نثری فنی ضمن انتقال اطلاعات، زبانی عاطفی دارد، اما مؤلف *تاریخ رشیدی* با نثری ساده به‌عنوان شاهد آگاه بر امور، بسیاری از اطلاعات *ظفرنامه* را به نقد و چالش کشیده است تا اطلاعات دسته‌اولی را در اختیار مخاطب قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، *ظفرنامه*، تاریخ رشیدی، علی یزدی، میرزا محمدحیدر دوغلات.

۱. مقدمه

ساختار سبک‌شناختی از جمله مواردی است که در بررسی آثار دوره‌های مختلف به‌طور کاملاً دقیقی بررسی و تحلیل می‌شود. این نوع از بررسی متون به علم سبک‌شناسی مربوط می‌شود. «سبک به یک اثر ادبی و جهت خاص خود را از لحاظ صورت و معنا القا می‌کند» (بهار: ۱۳۸۱: ج ۱: ۱۶). برای انجام بررسی سبک-شناختی باید کوچک‌ترین اجزای تشکیل‌دهندهٔ سبک دوره‌های مختلف را شناخت. با توجه به این توضیح، در بررسی متون نثر کهن فارسی می‌توان ساختارهای زبانی، ادبی یا بلاغی و درون‌مایه و محتوای آن‌ها را بررسی و تحلیل کرد که هر یک بخشی از مختصات سبکی را در بر می‌گیرد.

دورهٔ تیموریان (۷۷۱ - ۹۱۱ هـ ق / ۱۳۷۰ - ۱۵۰۶ م) برخلاف نابسامانی، منازعات داخلی و درگیری امیران این خاندان با ترکمانان قراقوینلو، دورهٔ رونق فرهنگ، هنر، ادبیات، تاریخ، ریاضی و نجوم بود. دربارهای هرات، سمرقند، شیراز، تبریز و اصفهان به‌سبب هنرپروری و هنرمندی فرمانروایان تیموری، محل تجمع و آمد و شد هنرمندان و ادیبان برجسته بود (حکمت، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۵). این شاهان نه تنها حامی دانشمندان و هنرمندان بودند، بلکه بعضی از آن‌ها مانند اُلغ‌بیگ و سلطان حسین بایقرا خود از اهالی علم و دانش محسوب می‌شدند و در میان شاهان تیموری سرآمد بودند. بایر، فرزند شاهرخ میرزا و بنیان‌گذار حکومت تیموریان هند نیز پادشاهی ادیب بود که دفتر خطرات او آینه‌ای روشن از تاریخ اجتماعی، سیاسی و هنری عصر اوست. بخش عمده‌ای از پیشرفت هنر، ادبیات و معماری در دورهٔ صفوی، وام‌دار حمایت‌هایی است که شاهزادگان تیموری و فرزندان آن‌ها به‌دلیل علاقه به انواع هنرها به‌خصوص نقاشی و کتاب‌آرایی، در این حوزه‌ها انجام داده بودند.

بیشترین کتاب‌های تاریخی تا دورهٔ قاجار در دورهٔ تیموریان و صفویان و کمترین آن‌ها در دورهٔ سلجوقیان نوشته شده است. شاید یکی از دلایل علاقهٔ تیموریان و صفویان به تاریخ‌نگاری این باشد که شاه اسماعیل صفوی و امیر تیمور گورکانی، بنیان‌گذاران این دو سلسله، در عین گمنامی، به‌سرعت قیام می‌کنند و در زمان کوتاهی سراسر ایران را به تسخیر خود در می‌آورند. بسیاری از مردم ایران و عالمان و اندیشمندان دست‌یابی به آن‌گونه فتوحات را کارهایی حیرت‌انگیز تلقی می‌کنند و تا سال‌ها به نقل و نگارش ماجراهای آن می‌پردازند.

شیوهٔ تاریخ‌نویسی در دورهٔ تیموریان اغلب برگرفته از روش تاریخ‌نویسی دورهٔ مغول و آثاری چون *جهانگشای جوینی* و *جامع‌التواریخ* رشیدی است؛ یعنی نگارش تاریخ‌های چند جلدی که اغلب در آن‌ها ابتدا پیشینهٔ مختصر یا مفصلی از تاریخ سلسلهٔ پیشین یا از حسب و نسب سلسلهٔ حاضر نوشته و پس از آن وقایع تاریخ معاصر با تمرکز بیشتری روایت می‌شود. علاوه بر این، نویسندگان این دوره در حوزهٔ تاریخ و تذکره‌نویسی و حتی نگارش کتاب‌های دینی، اغلب به تقلید کامل از روش یکدیگر می‌پردازند؛ بی‌آن‌که برای ایجاد تفاوت با دیگران، ذره‌ای ابتکار در شیوهٔ کار خود داشته باشند؛ پس در حوزهٔ تاریخ‌نویسی این دوره کمترین تفاوتی بین آثار دیده نمی‌شود. در همهٔ این تاریخ‌ها حوادث به ترتیب سال روایت شده است

و شیوه روایت و محدوده گزارش آن‌ها نیز یکسان است که شامل کلی‌گویی، پرهیز از بیان جزئیات، تمرکز بر لشکرکشی‌ها و جنگ‌ها، جانب‌داری از حکومت وقت و شرح وقایع از منظر دربار است. این ویژگی‌ها را می‌توان در کتاب‌های *ظفرنامه شامی*، *ظفرنامه علی یزدی* و *زبد‌التواریخ* از حافظ ابرو مشاهده کرد.

عصر تیموری دوره شکوفایی تاریخ‌نگاری فارسی است. چون تیمور به ضبط رویدادها علاقه‌مند بود و همیشه تعدادی از منشیان ایرانی و اویغوری را برای ضبط دقیق وقایع همراه خود داشت، نوعی سنت تاریخ‌نگاری در شرق ایران به وجود آمد که تا سال ۸۳۴ ه.ق متأثر از نوشته‌های تاریخی مناطق غربی و مرکزی ایران بود. آرامشی که پس از مرگ تیمور و در دوره حکومت جانشینان او به‌خصوص شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰) در سمرقند و هرات پدید آمد، این مناطق را به مراکز فرهنگی تبدیل کرد و باعث تداوم سنت تاریخ‌نگاری در طول سده نهم شد. از میان مورخان و دانشمندان این عصر، شرف‌الدین علی یزدی و میرزا محمدحیدر دوغلات، جایگاه منحصر به فرد و خاصی را به خود اختصاص دادند. در دهه ۸۲۰ ه.ق. شرف‌الدین علی یزدی کتاب *ظفرنامه* را براساس *ظفرنامه شامی* از نظام‌الدین شامی، *تاریخ‌نامه شمس الحسن* از تاج السلیمان، تاریخ منظوم لشکرکشی‌های تیمور به زبان اویغوری و با استناد به حکایات و روایات شفاهی و مکتوب نوشت. میرزا محمدحیدر دوغلات در قرن بعد (۹۴۸-۹۵۳) تاریخ رشیدی را با تکیه بر *ظفرنامه یزدی* و آثار دیگر، مشاهدات خود و منابع شفاهی نوشت. *ظفرنامه یزدی* و *تاریخ رشیدی* برخلاف این که در فاصله یک قرن از هم نگاشته شده‌اند، در تقسیم‌بندی سبکی و محتوایی، در یک دسته قرار می‌گیرند.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

- علی یزدی و احمد دوغلات در این دو اثر به چه موضوعاتی پرداخته‌اند؟
- ویژگی‌های سبکی، نوشتاری و محتوایی هر کدام از این دو اثر چیست و نویسنده تا چه میزان نوآوری داشته است؟
- چگونه می‌توان رابطه‌ای بینامتنی برای دو اثر قائل شد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

جست‌وجوی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در تعدادی از مقالات به جنبه‌هایی از این دو اثر پرداخته شده است که میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در مقاله «ضرورت بازنگری تاریخ رشیدی»، علی محمدی (۱۳۸۸) علاوه بر توضیحات مصحح تاریخ رشیدی، نکاتی نیز بیان شده است که در فهم بهتر اثر کمک می‌کند. در مقاله «ویژگی‌های تاریخ‌نگاری در دوره تیموری»، شهرزاد ساسان‌پور (۱۳۹۲) دوره تیمور، شاهرخ میرزا، سلطان حسین بایقرا به‌عنوان سه مرحله تاریخ‌نگاری بررسی کرده است. مقاله «تاریخ رشیدی میرزا محمدحیدر دوغلات؛ بینش و روش تاریخ‌نگاری»، زهرا عطایی (۱۳۹۵) که به معرفی کتاب و تعیین هدف نویسنده از کتابت و همچنین تحلیل وجه

تاریخی آن پرداخته است. در مقاله «تحلیل سبک‌شناسانه تاریخ رشیدی»، بهروز بیک بابایی، (۱۳۹۹) ابعاد ادبی و بلاغی این اثر تحلیل و بررسی شده است. در مقاله «تاریخ‌نگاری شمس الحسن و وجوه اشتراک آن با دو اثر متأخر خود (ظفرنامه یزدی و جامع التواریخ حسنی)»، فاطمه رستمی، (۱۳۹۱) مؤلفه‌ها و روابط تاریخ-نگاری این آثار مدنظر بوده است. در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل گفتمان امارت‌محور در ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی»، فاطمه رستمی و مهدی فرهانی منفرد (۱۳۹۱) گفتمان امارت‌محور حاکم بر این اثر براساس روش‌شناسی نورمن فرکلاف، برآمده از شرایط سیاسی عصر تیمور بررسی و تحلیل شده است. با توجه به این پژوهش‌ها می‌توان گفت ظفرنامه یزدی و تاریخ رشیدی فقط از نظر ساختار زبانی بررسی نشده‌اند، بلکه فقط در برخی از پژوهش‌ها به اختصار به این مباحث در ارتباط با موضوع اصلی اشاره شده است. در پژوهش حاضر، ساختار و شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی این دو اثر با ذکر نمونه‌هایی از متن دو کتاب بررسی شده است.

۲. شرف‌الدین علی یزدی

شرف‌الدین علی یزدی را از دانشمندان، مورخان، ادیبان، ریاضی‌دانان و عرفای نامدار حروفیه در قرون هشتم و نهم هجری می‌دانند. او در خاندانی اهل فضل، عرفان، ادب پرورش یافت؛ به همین دلیل به واسطه نبوغ و فرهیختگی خود از اوان نوجوانی به شهرت رسید و در سلک شعرای دربار شاه‌یحیی مظفری و پس از او تیمور، شاهرخ، ابراهیم‌سلطان و سلطان محمدبن بایسنقر درآمد. تنوع دامنه تألیفات او در زمینه‌های مختلف علمی-ادبی چون معما، عرفان، منشآت، شطرنج، تاریخ‌نگاری، نجوم، ریاضی و شعر، حاکی از مقام برجسته اوست. این شهرت برای او حرمت رشک‌برانگیزی را در دربارهای ابراهیم‌سلطان، والی شیراز و سلطان محمد بایسنقر در پی داشت؛ آن‌چنان که شاهرخ تیموری او را «جناب مخدومی» خطاب می‌کرد. جناب افضل العرفا افتخار العالما فی العرب و العجم صاحب اللطف و الکرّم و الجود و النعم شرف‌الدین علی؛ (نام و نسب او را شرف‌الدین علی بن شمس‌الدین علی یزدی و لقب او را مخدوم و تخلصش را شرف گفته‌اند) (صفا، ۱۳۶۹: ۴-۲۹۹).

علی یزدی بنا به سابقه خدمات پدرش به خاندان مظفری، در سلک درباریان آن سلسله درآمد و مورد احترام شاه‌یحیی واقع شد. پس از اندک مدتی، بساط دولت آل مظفر به دستور امیر تیمور گورکانی برچیده شد و شرف‌الدین علی یزدی به خدمت سران دولت تیموری رفت؛ پس «وی از رجالی است که عهد آل مظفر و دوران تیموری هر دو را درک کرده است» (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۰۲).

علی یزدی در علم و ادب صاحب مقام بود. او در فن انشاء و ترسل بر غالب ادبای عصر خود تقدم داشت. «وی اولین تدوین‌کننده قواعد فن معما در زمان خود به‌شمار می‌آید» (حاج سید جواد، ۱۳۷۸: ۳۳۳). سال وفات و مدفن شرف‌الدین علی یزدی دقیقاً مشخص نیست؛ زیرا زندگی او بعد از فوت ابراهیم‌سلطان در سال ۸۳۴ یا ۸۳۸ هـ.ق کاملاً مغشوش و آشفته شد. امیر علیشیر نوایی در *مجالس النفائس*، محل وفات و آرامگاه او را تفت می‌داند (نوایی، ۱۳۶۳: ۲۰۰).

ز خاک غنبر افشانند بر ماه به آب چشم، شستندش همه راه
هم آخربا غمش دمساز گشتند سپردندش به خاک و باز گشتند
(کاتب یزدی، ۲۷۱۱۳۴۵)

۳. ویژگی‌های ساختار زبانی ظفرنامه

ظفرنامه به تقلید از نثر تاریخ جهانگشای جوینی نوشته شده است که بعدها به‌عنوان یکی از شاهکارهای مثنوی ادب فارسی در قرن نهم هجری، سرمشق منشیان و وقایع‌نگاران دربارها و مرجع کتب و تواریخی چون روضه‌الصفاء و حیب‌السیر قرار گرفت. آن‌ها اغلب عبارات ظفرنامه را با حذف و اصلاح نقل کرده‌اند. ظفرنامه علی یزدی تحریر مفصل‌تری از ظفرنامه شامی اثر نظام‌الدین شامی است، اما ساده‌نویسی آن را ندارد. علی یزدی به تأثیر از تاریخ جهانگشای جوینی نثری عرضه می‌کند که اگرچه نوعی تقلید از نثر دوره مغول محسوب می‌شود، اما از استواری و پختگی بیش‌تری برخوردار است؛ به‌طوری که دولت‌شاه سمرقندی درباره ظفرنامه علی یزدی معتقد است: «الحق صاف‌تر از آن تاریخ فضلاء هیچ‌کس ننوشته اگرچه پرکارتر نوشته‌اند، اما طرفه مجموعه‌ای است ظفرنامه و از تکلفات زاید دور و به طبایع نزدیک» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۷۹).

علی یزدی در سال ۸۲۲ ه.ق. تحریر این کتاب را به امر مغیث‌الدین ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان آغاز کرد (به روایتی در سال ۸۰۷) و در سال ۸۲۸ ه.ق. در شیراز به پایان برد. او در سال ۸۳۱ نکاتی را به آن اضافه کرد. (احمدی، ۱۳۷۹: ۲۲).

بهار درباره سبک کتاب‌های تاریخی در دوره تیموری نوشته است:

«حدّ متوسط - یعنی میانه نثر ساده و نثر فنی - همان سبکی است که غالب نویسندگان بزرگ این دوره چون عبدالرزاق بن اسحاق و جامی و کاشفی و حافظ ابرو و میرخواند و خواندمیر به کار بسته‌اند، هرچند همه این‌ها عبارت را از یک‌دیگر گرفته‌اند و نقل کرده و مآخذ همه آن‌ها نوشته‌های عظاملک جوینی و وصاف است که قدری آن عبارات به توسط خواجه رشید ساده شده و به نظام شامی و عبدالرزاق و... رسیده است. مآخذ دیگر ایشان یعنی نویسندگان عصر تیمور، ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی است که ابتدا در روضه‌الصفاء نقل شده و ساده‌تر گردیده و بار دیگر به دست مؤلف حیب‌السیر افتاده و در آن دست‌کاری‌هایی شده است» (بهار، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

انشای علی یزدی در ظفرنامه از زیاده‌روی‌هایی که در منشآت مصنوع قرن هشتم دور است و می‌توان اثر او را نسبت به تاریخ و صاف، مواهب الهی و نظایر آن‌ها، دارای شیوه مصنوع معتدلی به‌شمار آورد (صفا، ۱۳۶۹: ۴۶۸).

۳-۱. ویژگی‌های صرفی و نحوی (نظام واژگان و جمله)

۳-۱-۱. ارائه فهرست ترکیبات نو و ابداعی

کاربرد واژگان و ترکیبات ابداعی یکی از خصایص متون تاریخی (در اصل متون تصویری آمده بود که مبهم بود) است که در جامعه ادبی نویسندگان آن‌ها رایج بوده است. در ظفرنامه یزدی هم به‌کرّات با نمونه‌هایی از این ویژگی روبه‌رو هستیم:

- «یوسف صوفی از مآل حال، نیاندیشیده؛ بدفرستی کرد» (یزدی، ۱۳۸۷: ۲۱۴).
- «... همواره جمعی از ایشان، برحسب فرمان قضا، جریان هرچه وقوع می‌یافت از صادرات افعال و اقوال آن حضرت و واردات احوال ملک و ملت و ارکان دولت، همه را تحقیق نموده، به اهمی تمام، قلمی می‌کردند» (همان: ۱۹).
- «در آن حال آق تمور بهادر با هزار سوار ... عنان‌ریز با هول رستاخیز به دروازه شتافتند» (همان: ۲۶۷).

۳-۱-۲. کاربرد واژه‌های عربی و ترکی

کاربرد عبارت‌های عربی به تناوب در متن این کتاب دیده می‌شود. با آن‌که کلمات جدید عربی در این دوره چندان افزایشی نداشته‌اند، اما کاربرد شمار مشخصی از کلمات و عبارات ترکیبی در دوره تیموریان بسامد بیشتری داشته است. بعضی از این اصطلاحات و ترکیبات عبارتند از: مستغرق بحر معانی، بحر لایتناهی، عنایت لم یزلی، معتمد علیه، اقتضاء قضاء الهی، به سمع قبول استماع کردن، محضاً لله، قربه الی الله و... . در نثر این دوره گاه کاربرد بعضی از عبارات و ترکیبات عربی مانند کلمات فارسی متداول بود و در میان جملات و عبارات فارسی به کار می‌رفت. یکی از دلایل اصلی وفور کلمات و ترکیبات عربی در *ظفرنامه* این است که نویسنده این اثر به تقلید از نثر فنی عربی در قرینه‌های کلامی نثر، واژگان بسیاری به کار می‌گیرد تا تصویر ذهنی خود را به خواننده منتقل کند.

- «علی بیگ را آوازه توجه آن حضرت، سیل اضطراب و اضطرار در خانه ثبات و قرار انداخته بود و با دلی در کشاکش بیم و امید به دو نیم، روی مطاوعت و انقیاد به معسکر ظفرمآب نصرت معاد آورده در این اثنا برسد و گرد خجالت و انفعال بر چهره حال نشسته، به شرف بساط بوس استسعاد یافت» (همان، ج ۱: ۲۳۸).

- «و چون حضرت صاحب قرانی از مبدأ تأسیس کاخ سروری و ملک ستانی، تا غایت ترفیع شرفات قصر سلطنت جهان‌بانی، معظمات امور را مجموع به نفس همایون خود التفات می‌فرمود و با آن که تمام ممالک اسلام از ایران و توران جولان‌گاه یک‌ران فرمان آن حضرت شده بود، همت عالی نهمتش در هیچ حال از ترصیع دائره حکومت و تفسیح عرصه مملکت، شی با روزی غافل و ذاهل نغنود و نیاسود. در اثنای سفر بود که از زین سمند لشکرکشی و کشورگشایی به سریر پادشاهی و فرمان‌روایی برآمد و با سلطنت روی زمین، هم در اثنای سفر دعوت حق را اجابت نمود و تخت شاهی به تخت تابت رحمت نامتناهی الهی بدل شد؛ نور الله مضجعه بانوار الرحمه و الرضوان. لاجرم چندان بدایع وقایع که آن مؤید گیتی‌ستان را روی نموده و آن مقدار آثار غریب و اتفاقات عجیب که بر رای‌های رزین و تدبیرات اصابت آئین آن صاحب قران سعادت قرین ترتب پذیرفته از هیچ نامدار سپهراقتدار از اساطین سلاطین و عظماء ملوک کامکار، عشر عشر آن مروی نیست» (همان: ۲۲-۲۳).

با بررسی مثال‌های ذکر شده می‌توان به این نکته پی برد که کاربرد واژگان عربی در بیشتر موارد موجب تناسب و تقارن بافت کلام شده است؛ حتی در کاربرد لغات نادر و تخصصی هم تناسب و تقارن آگاهانه با کلمات و ترکیبات قبل و بعد آن‌ها مشهود است.

در این کتاب واژگان کهنه و نامأنوس عربی کم است؛ مگر در مواردی که به اصطلاحات و کلمات خاص علمی مربوط می‌شود. به دلیل وجود این ویژگی، «انشای شرف‌الدین در *ظفرنامه* از زیاده‌روی‌هایی که در منشآت مصنوع قرن هشتم می‌بینیم، دور است» (صفا، ۱۳۶۹: ۴۶۸). همچنین به دلیل استیلای امرای ترک

و وابستگی نویسنده به دربار آن‌ها، واژگان ترکی و مغولی را هم در این اثر می‌بینیم که بیشتر در واژگان نظامی، اسامی خاص تاریخی و جغرافیایی و اعیاد و رسوم به کار رفته است.

- اسامی افراد: قزغن و آقبوغا.

- اسامی نظامی: هزارجات، تومان، قول و اولجه.

۳-۱-۳. کاربرد افعال مجهول

یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب *ظفرنامه*، کاربرد ساخت‌های مجهول افعال است؛ افعالی که فاعل آن‌ها از فرط آشکاربودن شبیه به فاعل غایب یا مبهم‌اند و خود افعال برخلاف معلوم‌بودن، به‌شکلی خنثی یا ناشناس به فعل‌های مجهول تعلق دارند که تا کنون نامی برای این نوع افعال تعیین نشده است. این‌گونه فعل‌ها در متونی به کار رفته‌اند که اعمال و رفتار پادشاه را شرح می‌دهند؛ به همین دلیل باید در این متون از افعال، کلمات و صفاتی استفاده می‌شد که احترام به ساحت پادشاه را نشان می‌داد. در واقع این شیوه گریز از روال یکنواخت روایت و تلاش برای پرهیز از تکرار و ایجاد تغییر در شیوه نقل وقایع است. چنین تعبیرهایی که در اصطلاح بدیع «التفات» نامیده می‌شود، گرچه در نظم حسن به‌شمار می‌آید، اما در نثرهای تاریخی جزو عیوب کلام است؛ زیرا به آهنگ کلام لطمه وارد می‌کند.

- «و روایت فتح آیت... از سلطانیه نهضت نموده، بعد از قطع مراحل، عز و وصول و نزول موبک ظفر قرین، صحاری قزوین را رونق خلد برین بخشید» (یزدی، ۱۳۸۷، ج: ۱۲۳۸۲).

۳-۱-۴. کاربرد صفت و تتابع اضافات

تاریخ‌نویسان زمان تیمور لنگ کاربرد صفت‌های سیلابی و توصیف‌های فراوان پر از تملق را برای شرح اعمال و اوصاف شاهان و صاحبان مقام به عرصه تاریخ‌نویسی وارد کردند که خواننده را در مطالعه متن دچار انزجار می‌کند. چنین سستی در دوره صفویان و کم و بیش در دوره قاجار نیز تکرار شد که چنین ایراد گزاره‌ای را در *ظفرنامه* علی یزدی نیز می‌بینیم:

- «چون همت عالی نهمت صاحب قران گیتی‌ستان که مصروف بود به تقویت دین و تمشیت شرع سید المرسلین علیه و علیهم افضل الصلوات و اکمل التحیات، از غزای گرجستان فراغ یافت و مجموع آن دیار و بلاد از خبث و وجود اهل ضلال و فساد به آب تیغ جهاد شسته شد و روایت کشورگشای عالم آرای به عزم معاودت نهضت نمود و بعد از قطع منازل و مراحل، بیلاق منکول محل نزول موبک همایون گشت و رتبه آن سرزمین به فر شکوه روایت نصرت قرین از چرخ برین برگذشت» (همان، ج ۲: ۲۵۰).

۳-۱-۵. اطناب و مترادفات

اطناب به کلام ظرفیتی می‌بخشد که دیگر مختصات نثر فنی را هم بپذیرد. این ویژگی از بارزترین خصوصیات نثر *ظفرنامه* است. در این اثر گاه جملات به قدری طولانی‌اند که برای درک منظور نویسنده نیاز است، متن بازخوانی شود. در *ظفرنامه* علاوه بر اطناب، مترادفات بسیاری هم به کار رفته است. نویسنده در این نوع نثر برای بیان مطلب خود، خواننده را به راهی طولیل می‌کشاند تا بتواند در این مسیر تعبیر زیبایی خلق کند و توانایی خود را به نمایش بگذارد. منظور از تطویل آن است که نویسنده

کوتاه‌ترین پیام را با بیشترین لغات و ترکیبات به خواننده انتقال دهد. در واقع «از طرق مختلفی از جمله سجع، نویسنده یک معنی ساده را بارها در جملات پی‌درپی با کلمات مترادف و متجانس تکرار می‌کند و از این رهگذر اطناب، عمده‌ترین ویژگی نثر فنی را پدید می‌آورد» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۵۷).

علی یزدی مترادفات پی‌درپی را در همه جای متن به کار نبرده است، بلکه گاه این واژه‌ها را در طول یک جمله با فاصله ذکر می‌کند که اغلب متجانس و متوازن هستند و نوعی سجع را ایجاد می‌کنند: «قضیه بر این قرار یافته که مجادله و عناد به مجامله و وداد مبدل شد و رایت نصرت شعار مظفر و کامگار از آن جا مراجعت نمود» (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۸۰). تکرار مترادفات در *ظفرنامه* از عیوب کلام به‌شمار نمی‌آید؛ زیرا تکرار از ویژگی‌های نثر فنی و مصنوع است و نمی‌تواند دلیلی برای ضعف تألیف محسوب شود.

فراوانی صنایع بدیعی و بیانی، ترکیبات و کلمات فارسی ابداعی، استفاده از اصطلاحات علوم مختلف، اقتباس از آیات و احادیث و درج و تضمین اشعار و امثله از دیگر ویژگی‌های نثر *ظفرنامه* است که پرداختن به این موارد در این مقال نمی‌گنجد.

۴. میرزا محمدحیدر دوغلات و تاریخ رشیدی

میرزا محمدحیدر دوغلات سال ۹۰۵ هـ.ق در تاشکند به دنیا آمد. شجره پدری او به بولاجی از قبیله دوغلات مغول می‌رسد. او از سوی مادر نیز به همین خاندان منسوب است. میرزا محمد سال‌ها در کنار ظهیرالدین محمد بابر، پادشاه گورکانی بوده و قسمتی از کتاب خود را به زندگی و اقدامات او اختصاص داده است. علاوه بر این او در خدمت چند تن از خانان و پادشاهان از جمله سلطان سعید، سیدخان بن احمد، کامران میرزا و همایون بوده است. او ضمن درخشش در عرصه‌های نبرد، در آگاهی از کتب تاریخی و ادبی و آشنایی با انواع هنرهای عصر خود نیز فرد سرآمدی بود. او در به بسیاری از هنرهای خود در تاریخ رشیدی اشاره کرده است، اما ما با مطالعه تاریخ رشیدی به آشنایی عمیق میرزا محمدحیدر با کتب تاریخی و نحوه نگارش یک اثر تاریخی با نثری جذاب پی می‌بریم.

مؤلف تاریخ رشیدی دلیل نام‌گذاری کتاب خود را چنین توضیح داده است: یک به احترام نام شیخ ارشد الدین که مشوق مسلمان شدن تغلق تیمور بود؛ دوم آن که اولوس مغول در ایام تغلق تیمور خان رشدی تمام یافته اند و سوم آن که آخرین خاقان مغول در این روزگار عبدالرشید خان است و این تاریخ به نام او و برای او نوشته می‌شود (دوغلات، ۱۳۸۳: ۷). کتاب براساس نام‌گذاری مؤلف از دو بخش تاریخ اصل و مختصر تشکیل شده است. در تاریخ اصل که در سال ۹۵۲ هـ.ق به اتمام رسیده، رویدادهای تاریخی مربوط به خواقین مغول از زمان تغلق تیمورخان تا عبدالرشید سلطان و به‌موازات آن تاریخ امیران دوغلات ترکستان بررسی شده است. بخش مختصر که صفحات بیشتر کتاب را در بر می‌گیرد، شامل تاریخ وقایع مربوط به بابر و همایون، شاه اسماعیل و طهماسب، تاریخ ازبکان، سلطان سعید خان، عبدالرشید سلطان و حوادث مربوط به زندگی خود مؤلف، مشاهدات و تجربیات و مطالعات تاریخی او در دامنه جغرافیایی وسیعی از کاشغر، تبت، افغانستان، ماوراءالنهر، هندوستان و کشمیر است، اما موضوع اصلی این کتاب

برخلاف گستردگی مطالب مطرح شده در آن، تاریخ سیاسی نظامی شاخه جغتایی مغولان است که از زمان جدایی خانان مغولستان ماوراءالنهر آغاز می‌شود و تا مرگ مؤلف ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد تاریخ مختصر پیش از قسمت اصلی نوشته شده است. دلیل این فرضیه این است که مؤلف در چند جای بخش اول می‌گوید که عباراتی را در بخش دوم نگاشته است و در بخش دوم وعده می‌دهد که بعضی از مطالب را در بخش اول بیاورد (همان، مقدمه: ۵۱). هدف دوغلات از نگارش کتاب، تاریخ‌نویسی است. او به سفارش یا برای خوشایند کسی، به خاطر کسب مادیات و شهرت یا ارضای ذوق ادبی خود این کتاب را نوشته است؛ کما این که در پایان کتاب نیز امید دارد کتابش نه توسط صاحب منصبان، بلکه نزد صاحب نظران مقبول واقع شود (همان: ۶۹۵).

۵. تاریخ‌نگری و سبک تاریخ‌نگاری مؤلف تاریخ رشیدی

میرزا محمدحیدر قسمت اعظم مقدمه تاریخ رشیدی را عیناً از مقدمه ظفرنامه یزدی رونوشت کرده است؛ از جمله قسمت‌هایی که مربوط به نعت خداوند، پیامبر و ائمه و فضیلت و چیستی تاریخ در قرآن است. او درباره نگرش خود به تاریخ و تعریف آن توضیحی نداده است؛ فقط با تأکید بر علم تاریخ متذکر شده است که تمام اقوام از تاریخ برای اثبات هرگونه ادعای خود بهره می‌برند.

«اکثر فرق امم بلکه تمام اهل عالم این علم را معلوم دارند و از سؤالی خود روایات و حکایات کنند و آن را دلیل سازند و مستمسک بدان شوند، علی‌الخصوص فرق اتراک که در تمام مفروضات و ساختن مهمات، بلکه در اکثر محاورات تأسیس بنیان ایشان بر حکایات و روایات سوافشان باشد» (همان: ۵).

میرزا محمدحیدر در بخش‌هایی از متن کتاب به ضرورت، مستقیم یا غیرمستقیم دیدگاه خود را درباره تاریخ بیان کرده است. تأکید او بر گزینش روایت صحیح نشان می‌دهد که او تاریخ را علمی سودمند می‌داند که در صورت روایت صحیح و کامل می‌تواند مثبت و عبرت‌آموز باشد. میرزا محمدحیدر در تلاش است روایت صحیح و مفید را با استفاده از منابع گوناگون و مقایسه آن‌ها به دست آورد و در مواردی نیز براساس فهم تاریخی خود روایت را نقد کند و از طریق قیاس و استنتاج مطلبی را که به نظرش صحیح می‌رسد ثبت کند. سال مرگ شاهرخ میرزا و سال تولد یونس خان نمونه‌ای از تردید میرزا محمدحیدر نسبت به صحت داده‌های تاریخی است که با گزارش صرف و نشان دادن تردید خود تلاش می‌کند که در ارائه اطلاعات تاریخی دچار خطا نشود. «در خراسان میرزا شاهرخ پادشاه بود. تاریخ وفات و ولادت او معلوم نیست، اما چون تاریخ‌های آن عهد را هم برمی‌زنیم قیاساً، وفات او قبل از سنه ستین و ثمان مائه بوده باشد. الله اعلم» (همان: ۸۷).

نویسنده روایت‌های بسیار مشهور را اغراق‌آمیز و دور از ذهن دانسته و تردید خود را نسبت به وقوع آن اعلام کرده است و با گفتن «العلم عندالله» تأکید می‌کند که آن را جهت اشتهار مطلب ضبط کرده است. اگرچه اغلب جملات میرزا محمدحیدر کوتاه هستند، اما حق مطلب را کاملاً ادا می‌کنند. گریز او به سایر داستان‌ها موجب سردرگمی خواننده می‌شود، اما به مفهوم و اصل مطلب لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

میرزا محمدحیدر سعی کرده است که روایت‌های تکراری را با جملاتی چون «آن احوال مذکور شده است»، «سابقاً سمت تحریر یافته است» و «هر کدامی محلش به شرح خواهد آمد» (همان: ۸۶) از حجم مطالب تکراری بکاهد و انسجام متن را حفظ کند، اما در این کار موفق نبوده است و کتاب او مانند داستان‌های هزار و یک شب از دل هر داستان آن، حکایتی جدید بیرون می‌آید. در نوشتهٔ زیر سبک روایت و دقت میرزا حیدر در ارائهٔ مطلب صحیح به روشنی مشخص است:

«این محمدخان پسر خضر خواجه‌خان است. خضر خواجه‌خان را غیر محمدخان، فرزندان دیگر بودند شمع جهان‌خان و غیره. در مرتبهٔ اول بعد از ایان بوغاخان، بغیر توغلمورخان در یورت مغول از خوانین چغتای کسی نمانده بود، آن احوال مذکور شده است. بعد از توغلمورخان، امیر قمرالدین فرزندان توغلمورخان را به تمام کشت که به غیر از خواجه‌حسن کسی نماند و این نیز مذکور شد» (همان: ۸۵).

میرزا محمدحیدر تا حدودی کتاب تاریخی خود را با اطلاعات جغرافیایی، هنری و تذکره‌نویسی آمیخته است. او سعی می‌کند تا حد امکان اطلاعاتی را دربارهٔ محدودهٔ جغرافیایی، وضع کشاورزی، آب و هوا و اسامی قدیم و جدید مکان‌هایی که دربارهٔ آن‌ها صحبت می‌کند، در کتاب خود بگنجاند. پرداختن به جزئیات معماری و ساخت عمارت‌ها و مساجد از علاقه‌مندی‌های میرزا محمدحیدر است. از میان سطور کتاب تاریخ رشیدی می‌توان اطلاعاتی دربارهٔ مسائل اقتصادی نیز به دست آورد. هنر و هنرمندان نیز برای میرزا محمدحیدر مقولهٔ جذابی است.

استفاده از منابع مکتوب در تاریخ رشیدی بسیار متنوع است. میرزا محمدحیدر از آثاری چون: *ظفرنامه* علی یزدی (همان: مقدمه ۳۰- ۷۷ و ۴۳۱)، *تاریخ جهانگشای جوینی* (همان: ۳۸۶-۴۱۸)، *جامع‌التواریخ* خواجه رشیدالدین (همان: ۳۸۶-۴۱۸)، *تاریخ گزیدهٔ حمدالله مستوفی*، *روضه‌الصفای میرخواند*، *حبیب‌السیر خواندمیر* و اشعار شاعرانی چون سعدی (همان: ۲۹۵)، عطار (همان: ۲۹۶)، سنایی و... مطالبی را در کتاب خود درج کرده است. او علاوه بر آشنایی دقیق با این منابع، در جهت ذکر دقیق مآخذ خود نیز تلاش وافر کرده است. او بارها عنوان می‌کند که دقیقاً فلان مطلب را از فلان کتاب گرفته‌ام یا تا این‌جا نقل از فلان کتاب بوده است (همان: ۱۴۸۳)؛ حتی گاهی مآخذ خود را نقد می‌کند و در موارد لزوم خواننده را بدان منابع ارجاع می‌دهد و در نهایت منتقدانه اعلام می‌کند که این مورخان در آثار خود تاریخ خاقان‌های مغول را تا جایی که به وقایع مورد نظرشان مربوط است، نوشته‌اند و توجهی به موضوعات دیگر نداشته‌اند.

«از جمله مجمل‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله و تاریخ گزیده خواجه حمدالله مستوفی و *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی و تاریخ منظوم مولانا عبدالرزاق و اولوس اربعه میرزا الوغ بیگ و غیره، در هر کدامی از احوال خواقین مغول جسته جسته هست و از آن‌ها به ترتیب چیزی معلوم نمی‌شود» (همان: ۲۳۵). میرزا محمدحیدر از میان تواریخ مختلف، کاملاً به علی یزدی، مؤلف *ظفرنامه*، اعتماد کرده و در ذکر برخی وقایع از جمله مقدمه و قسمت عمده‌ای از تاریخ تغلق تیمور عیناً نوشته‌های او را نقل کرده است.

۶. رابطه بینامتنی محتوای تاریخ رشیدی و ظفرنامه

بینامتنیت به بررسی رابطه دو متن می‌پردازد که در آن یک متن از متن دیگر که تقدم زمانی دارد بهره برده است. در رابطه با بینامتنیت، بخشی از متن متقدم در متن متأخر آمده است. «هر گاه بخشی از یک متن در متن دیگری وجود داشته باشد، رابطه این دو بینامتنی محسوب می‌شود» (نامورمطلق، ۱۳۹۰: ۸۷). براساس این رابطه می‌توان دو اثر را از جنبه‌های گوناگون تطبیق و بررسی کرد. تأثیرپذیری متون از یکدیگر گاهی آشکار و گاهی پوشیده است. تاریخ رشیدی که به فاصله اندکی پس از ظفرنامه نگاشته شده، شباهت‌هایی با آن دارد. روابط بینامتنی این دو کتاب علاوه بر بعد محتوایی در سبک زبانی و ادبی نیز مشهود است. مقدمه تاریخ رشیدی رونوشت مقدمه ظفرنامه یزدی است که حتی میرزا محمدحیدر خود در پایان مقدمه به تصریح آن را اعلام می‌کند.

«پس هم جهت تیمن و تبرک را، اول مقدمه ظفرنامه حضرت قدوةالمحققین... مولانا شرف‌الدین علی یزدی را... به جنس نقل کردم؛ تا "اما بعد" تحریر ایشان است» (دوغلات، ۱۳۸۳: ۶).

میرزا محمدحیدر علاوه بر موارد مذکور نیز بخش‌هایی از تاریخ یزدی را در متن تاریخ رشیدی نقل کرده که به شیوه نقل مستقیم و در مواردی باب نقد و نظر همراه است.

۶-۱. نقل مستقیم از ظفرنامه

«گفتار در نهضت همایون حضرت صاحب‌قران به جانب جته که عبارت از مغولستان است. نوبت سیوم در روز پنجشنبه غره شعبان سنه سته و سبعین و سبع مائه، حضرت صاحب قران لشکر ظفرقرین را جمع‌آوری آورده به تأیید رب‌العالمین متوجه جانب جته که عبارت از مغولستان است شد» (همان: ۶۰).
«از الوس اربعه یکی مغول است و مغول به دو قسم مقسوم منقسم شده، یکی مغول، دیگر چغتای. اما این دو فریق از جهت عداوت با یکدیگر از روی استخفاف هر کدامی یک دیگر را به نامی خوانند، چنان که چغتای، مغول را جته می‌گفت مغول چغتای را قراواناس می‌گفت» (همان: ۱۹۰).

۶-۲. نقل از ظفرنامه همراه با اعمال نظر و نقد

«در ظفرنامه، بندگی مولوی شرف‌الدین علی یزدی در تعریف کشمیر خیر چند ثبت فرموده اند اما اندک تفاوتی دارد، چنان‌که واقع است، نیست. جهت آن که بندگی مولوی خود ندیده اند، از متردین پرسیده اند از تقریر آن نوشته اند. آن مردم هم چنان که می‌باید استصواب ناکرده گفته باشند. تفاوتی که دارد آن سبب است. آن نقل این است.
چون کشمیر از مشاهیر امکنه معموره عالم است و به موضعی غریب واقع شده و جز کسی که مقصد سفرش همان‌جا باشد کمتر آن‌جا می‌رسد، کیفیت اوضاعش از ثقات معتمد علیه و هم از سکان آن سرزمین استکشاف رفته و بعد از تفتیش و تحقیق مقرر گشته، سمت گزارش می‌پذیرد و مصدر به ذکر محلش از اقالیم و کمیت و عرضش به وجهی که از کتب آن صنعت مستفاد باشد. و من الله التوفیق» (همان: ۶۲۳-۶۲۴).

نقل به جنس (حذف تقریباً دوازده خط از متن موجود در ظفرنامه علی یزدی به منظور اخلاص کار و جلوگیری از عدم خجالت شاهان و شاهزادگان)

«بندگی مولانا شرف‌الدین علی یزدی در ظفرنامه، افعال سلطان خلیل میرزا که از بنایر امیر تیمور است و بعد از امیر تیمور در تخت سمرقند جانشین جد بزرگوار شده شرح می‌دهد. آن را این‌جا به جنس نقل کرده می‌شود. همانا بعد از سلطان خلیل کس

دیگر به غیر رشید سلطان بدین گونه بر اضلال و ظلم استقدام ننموده باشد. چون شرح این وقایع را مانع اختجال است این را نقل کرده نشد، از آن قصه پر غصه قیاس کنند. ظاهراً مقصود بندگی مولانا مومی الیه از ذکر آن قبایح آن باشد که مطالعه-کنندگان را و اهل دول میراثی را تنبیهی باشد تا به صوالح اعمال گریند و از قبایح افعال تجنب نمایند. آن این است:

نقل از ظفرنامه: شاهزاده سلطان خلیل میرزا با گروهی واجب التعظیم که نسبت با او مثابه مادر بودند طریقی سپرد که هیچ دانا نپسندد، چه ایشان را به تکلیف و زور هر یک را به کسی داد که آن کس قابلیت خدمتکاری آستانهٔ او نداشت. حور فرشته نهاد را در دام اهرمن انداخت و همای عنقایش را در آشیان ازدواج، جفت زغن ساخت. دردانه قیمتی را در سلک خرمهره کم بها کشید، یاقوت رمانی را به نام جزع یمانی گردانید» (همان: ۶۵۱).

«نقل از ظفرنامه: ذکر مراجعت توغلقتمورخان به تخت گاه خویش

چون پاییز درآمد، خان متوجه سمرقند شد و در راه فرمان داد تا امیربیاں سلدوز را به یاساق رسانیدند. و چون به سمرقند رسید تمام مملکت ماوراءالنهر به تخت تسخیر و تصرف او در آمده بود و مجموع امرا و نوئیان به کام و ناکام سر بر خط فرمان نهاده جماعتی را که از فساد ایشان اندیشناک بود به یاساق رسانیدند و بعضی را که محل اعتماد بودند به غایت و موهبت اختصاص بخشید و پسر خود الیاس خواجه اعلان [را] حکومت آن دیار نصب فرمود و غلبه تمام از امرا و لشکریان جته مقدم بر همه بیگجیک را به ملازمت او نازل کرد و حضرت صاحب قران را به صنوف ترتیب و عواطف مخصوص داشته پیش پسر بگذاشت و چون از مجاری احوال و اوضاع آن حضرت آثار شهامت و صرامت تفرس می نمود، ضبط امور آن ممالک را به رای وزین او مفوض فرمود و خود در عین جلالت و کامکاری به مقرر سریر سلطنت برگشت» (همان: ۲۹).

میرزا حیدر در این جا بخشی از سرگذشت تیمور و حسین را قطع می کند، اما علی یزدی در ظفرنامه ماجرای زخمی شدن تیمور در بیابان های خیره را تا آن جا ادامه می دهد که سرانجام تیمور حسین را نزدیک چاه های ساغچ پیدا می کند و با هم به خیره می روند. تکل یا جکل، حاکم خیره، از راه خیانت در صدد برمی آید که آن دو را مقید سازد. تیمور و حسین دوباره عازم بیابان می شوند و این طرح را خشی می سازند. آن ها در بیابان با سلسله حوادثی روبرو می شوند تا سرانجام در صف دوستان قرار می گیرند و از کسانی که مایل به پیروی آن ها بودند، نیروی کوچکی تشکیل می دهند.

۷. بررسی ویژگی های ساختار زبانی تاریخ رشیدی

۷-۱. ویژگی های صرفی و نحوی (نظام واژگان و جمله)

۷-۱-۱. ارائه فهرست ترکیبات نو و ابداعی

کاربرد لغات و اصطلاحات ناآشنا یکی از خصایص ویژه نگارش تاریخ رشیدی است که به نظر می رسد آن ها در ماوراءالنهر رایج بوده اند؛ زیرا با توجه به دانش ادبی میرزا محمدحیدر دور از ذهن است که او در کاربرد واژگان و عبارات دچار اشتباه شده باشد. به عنوان نمونه واژه های «بی قدرشناسی، بی اندامی، رها داد» در جملات زیر نامأنوس است:

- «جوانان مردم گزیده او که محمدحیدر میرزا جهت بی قدرشناسی از دست داده بود» (همان: ۱۳۴).

- «امرای مغول با یونس خان بی اندامی و ناهمواری می کردند» (همان: ۱۳۸).

- «هم چنان او را طرف مغولستان رها داد» (همان: ۱۴۵).

۷-۱-۲. کاربرد کلمات و عبارات عامیانه

یکی دیگر از مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد، کاربرد کلمات و عبارات عامیانه است که بیشتر در مقدمه، بخش اول و بخش دوم کتاب بسامد دارد. این اثر رویکردی تاریخی دارد و نویسنده آن به دنبال ثبت وقایع است؛ پس کاربرد کلمات و عبارات عامیانه مخاطب را غافلگیر می‌کند؛ البته نثر تاریخ رشیدی ساده و قابل فهم و موارد کاربرد لغات عامیانه آن محدود و اندک است:

- «سخن اراجیف را لایق ثبت ندیدم. فلاجرم عنان خامه را از آن باز کشیدم» (همان: ۱۸۷).

- «از این مزخرفات که در کوانین دماغ ایشان از محض شیطنت ...» (همان: ۶۴۹).

- «رنود اوباش و هنود بی‌باش را سری شده بلکه کله‌خری گشته بود» (همان: ۶۸۵).

۷-۱-۳. کاربرد لغات، تعبیرات و ساختار نحو عربی

کاربرد لغات و تعبیرات و ساختار نحو عربی در تاریخ رشیدی به وفور دیده می‌شود. یکی از موارد کاربرد شیوة نحو عربی در تأیث کلمات بعد از صورت‌های جمع است:

- «عساگر منصوره از اطراف و اکناف در حرکت درآمده ...» (همان: ۵۹).

- «در خراسان میرزا شاهرخ پادشاه بود. تاریخ وفات و ولادت او معلوم نیست، اما چون تاریخ‌های آن عهد را هم برمی‌زنیم قیاساً وفات او قبل از سنه ستین و ثمان مائه بوده باشد. الله اعلم» (همان: ۸۷).

- «چنان که زمان او محسود/زمنه سابقه شد» (همان: ۱۱۵).

- «فوائد کثیره از آن به روزگارها عاید گردد» (همان: ۴۷۹).

۷-۱-۴. استفاده از واژگان کهن فارسی

یکی از مواردی که می‌توان آن را به عنوان یک ویژگی برجسته سبکی در این اثر به حساب آورد، استفاده فراوان از واژگان کهن فارسی است.

- «قبا فرمود که از این سپارش» (همان: ۲۷۱).

- «در پشت‌های ایشان سبد بر بسته، در گردن زنجیر و در دست کلند» (همان: ۳۸۷).

- «شرط سیوم آن که در خوردن و پوشیدن اقتدا به سیرت خلفای راشدین کند» (همان: ۴۹۴).

۷-۱-۵. استفاده از اشعار شاعران

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تاریخ رشیدی استفاده پیاپی نویسنده از ابیات شاعران پیشین است. این ویژگی را در تمام متن به وضوح می‌توان دید و میرزا حیدر هرجایی احساس نیاز کرده، ابیاتی را برای تقویت سخن خود آورده است که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم.

«هیچ کس از اهل فضل نیست که من وجهی مربی او نباشد و او مردی بود در غایت ظرافت و اندام. همه کس را میخواست که همان رنگ در غایت ظرافت و اندام باشند و این بر خلاق دشوار می‌آمد و از این جهت رنجش‌ها می‌شد و به میرعلی شیر غیر نازکی و زود رنجیدن عیب دیگر نمی‌یابند و مع‌هذا، الحق که مرد فاضل و دولتمند بود و تمام عمر گرامی را به تجرد و خیرات گذرانید.

بیت:

حاصل دریا نه همین دُر بود یک هنر از آدمی پر بود^۱

خاصه که او را به غیر یک عیب، عیب دیگر نبوده است» (همان، ۳۱۱-۳۱۲).

«و مع هذا بی شریعت نیز محذور است. چون بنده به دیده ملاحظه‌ای در مرآت تأمل دیدم جز به اختیار این دو کار چاره نبود، یکی کشتن میرزا علی طغای و استخلاص کشمیر، دیگر ناکشتن او و [بر] گشتن از کشمیر. پس بنده به گذاشتن کشمیر راضی شدم. به ملوک کشمیر سخن صلح را در میان انداختم، نصیحت عقلا را نوشیدم، از این محنت‌ها کشیدم و دیدم آنچه دیدم. چنان که گفته‌اند هر که را دشمن زیون در پیش است اگر نکشد دشمن خویش است.

بیت:

دست بر دست و مار بر سر سنگ خیره رای بود قیاس درنگ^۲

(همان، ۶۳۵)

باید یادآوری کنیم که منابع مهم میرزا محمدحیدر در نگارش تاریخ رشیدی، آثاری چون شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ و باقی آثار طراز اول ادب فارسی بوده است؛ زیرا از اشعار این شاعران به دفعات بهره برده که این نشان از گستردگی مطالعات اوست. همچنین در متن اثر عنوان «بیت، قطعه، رباعی و...» پیش از اشعار ذکر شده‌اند؛ البته خطای میرزا محمدحیدر در تشخیص قالب برخی اشعار مشهود است؛ زیرا مثلاً برای قصیده عنوان قطعه را آورده است.

۸. نتیجه

دو اثر *ظفرنامه یزدی* و *تاریخ رشیدی* از منابع معتبر تاریخ‌نویسی در دوره تیموریان هستند که تاریخ مغولان و جانشینان آنان، تیموریان، را روایت می‌کنند. *ظفرنامه یزدی* علاوه بر بُعد تاریخی، از لحاظ سبک نوشتاری متمایل به سبک فنی است. علی یزدی در *ظفرنامه* خود ضمن انتقال پیام و اطلاعات تاریخی، تمام امکانات نثر فنی را در پردازش زبان احساسی و عاطفی به خدمت گرفته است. در این کتاب مهم‌ترین اهداف نثر فنی، از جمله تناسب لفظی و آرایش‌های کلامی، صنایع لفظی و معنوی و گسترش دایره اغراض و معانی در بستری از عبارات موزون و مسجع نمود یافته است؛ در حالی که تاریخ رشیدی از نثری ساده و یکدست و بدون اغراق برخوردار است. میرزا محمدحیدر دوغلات بیشتر از منظر یک شاهد آگاه تاریخ را به رشته تحریر در آورده و اطلاعات ذی‌قیمت و دست‌اول را جمع‌آوری کرده است؛ به همین منظور گاه اطلاعاتی را که از *ظفرنامه* علی یزدی می‌آورد، با نقد، واکاوی و تلخیص همراه می‌کند تا داده‌های تاریخی دقیقی را در اختیار مخاطب قرار دهد.

ویژگی‌های ساختار زبانی *ظفرنامه* شامل ترکیبات نو و ابداعی، کاربرد واژگان ترکی و عربی، افعال مجهول، صفت و تتابع اضافات و اطناب و ترادفات است. ویژگی‌های زبانی *تاریخ رشیدی* هم علاوه بر ترکیبات نو و ابداعی و لغات و تعبیرات عربی به پیروی از *ظفرنامه*، استفاده از واژگان کهن فارسی، جملات کوتاه، اشعار شاعران پیشین و عبارات عامیانه را در برمی‌گیرد. نقل مستقیم مطالب *ظفرنامه* در

تاریخ رشیدی ارتباطی بینامتنی بین این دو اثر برقرار کرده است که ضمن ایجاد ساختار زبانی یکسان، با توجه به تقدم و تأخر تاریخی، این تصور را ایجاد می کند که این دو اثر تکملاً یکدیگرند.

پی نوشت ها

۱. نظامی، مخزن الاسرار، مقاله بیستم در وقاحت ابنای عصر.

۲. سعدی، گلستان، باب هشتم در آداب صحبت.

منابع

- آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷)، تاریخ یزد، چاپ اول، یزد: گلبهار.
- احمدی، حسین (۱۳۷۹)، «شرف الدین علی یزدی و ظفرنامه او»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۴، تهران: خانه کتاب ایران.
- بهار، محمد تقی ملک الشعرا (۱۳۸۱)، سبک شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)، تهران: مجید.
- دوغلات، میرزا محمدحیدر (۱۳۸۳)، تاریخ رشیدی، تهران: میراث مکتوب.
- حاج سید جوادی، سید کمال (۱۳۷۸)، اثر آفرینان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۸۶)، جامی: متضمن تحقیقات در تاریخ احوال و آثار منظوم و منثور خاتم الشعرا نورالدین عبدالرحمن جامی، تهران: توس.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، نثر فارسی، تهران: سمت.
- سمرقندی، دولت شاه (۱۳۸۲)، تذکره الشعرا، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوسی.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵)، تاریخ جدید یزد، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت، نظریه ها و کاربردها، تهران: سخن.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۳)، رجال تاریخ حبیب السیر، تهران: خیام.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷)، ظفرنامه، تصحیح سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، ۲ ج، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.